

برخی نمودهای سبکی در نثر فنی با تأمل بر آثار برجسته

دکتر محمد حجّت^۱

چکیده

در پژوهش پیش رو، که در خصوص ویژگی‌های نثر فنی در چند کتاب نثر مشهور فارسی بحث و بررسی به عمل آمده است، نثر فنی از آغاز تا پایان دوره تکلف، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای نیل به هدف مذکور، آثار برجسته‌ای که در این شیوه تدوین شده، با رویکردی تازه و متفاوت از آنچه تاکنون در برخی کتب سبک‌شناسی دیده می‌شود انتخاب و نکات قابل ملاحظه هر یک، از دیدگاه مورد نظر نگارنده، استخراج و عرضه می‌گردد. در این راستا، سیر تحول نثر فنی با ایجاد یا تشدید عناصر حیاتی آن، در آثار مورد بررسی، گام دیگری است که مسیر مقاله را هدایت خواهد کرد.

در این نوشتار، آگاهی‌هایی، در خصوص چگونگی ابداع، تکامل و راهیابی عناصر پیش‌گفته در آثار آن روزگار، به ویژه آثاری چون کلیله و دمنه، نفثه‌المصدر، تاریخ و صاف و درّه نادره ارائه گردیده که در منابع سبک‌شناسی موجود، یا بدان‌ها اشاره نشده و یا کم‌تر مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ و صاف، درّه نادره، سبک‌شناسی، شیوه نگارش، کلیله و دمنه،

نفثه‌المصدر

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

تاریخ وصول: ۸۹/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۳۰

مقدمه

نثر فنی به عنوان یکی از شیوه‌های نوین نگارش در قرن ششم هجری ظهور یافت؛ کتاب کلیله و دمنه، قدیمی‌ترین اثر از این دست بود که دبیر بزرگ آن دوره، نصرالله منشی در سال ۵۳۸ ه.ق آن را به نام بهرام‌شاه سلجوقی ترجمه کرد (رک. خطیبی، ۱۳۶۶: ۴۴۶). این کتاب مبدأ تازه‌ای در عرصه نویسندگی است. اثری که از ابتدای پیدایش به سرعت مورد توجه نویسندگان قرار گرفت و راه تقلید آن به سرعت پیموده شد. این شیوه نگارش در زمانی کوتاه، در سراسر سرزمین‌های فارسی‌زبان و به‌ویژه در دربارهای حاکمان و سلاطین بزرگ، شایع شد و پس از گذشت حدود یک قرن به کمال رسید تا جایی که قرن هفتم هجری، از دیدگاه سبک‌شناسی، دوره شکوفایی نثر فنی به حساب می‌آید. در این دوره آثاری در نثر فارسی پدید آمد که پرورده دست تواناترین مؤلفان از قبیل "شمس‌الدین محمد زیدری نسوی"، "عظاملک جوینی"، "سعدالدین وراوینی" و "ادیب عبدالله شیرازی" است. این نویسندگان را باید تواناترین مؤلفان تاریخ ادبیات فارسی به شمار آورد که همگی در به کمال رساندن این شیوه نگارش، صاحب قلم‌های استواری بودند. سبک نثر فنی به عنوان جزء لاینفک نگارش فارسی در قرون متممادی، اعتبار خود را حفظ کرد و بخش وسیعی از آثار فارسی را به خود اختصاص داد و نظر بزرگ‌ترین نویسندگان و منشیان تاریخ را جلب نمود. همین امر، دلیل کافی بر اهمیت و توجه به شیوه نگارش این نثر در زمان حاضر محسوب شده و عرصه را برای پژوهش در مورد مذکور مهیا ساخته است. بی‌تردید جستار پیش رو نیز در همین جهت نگاشته شده است.

الف) سرآغاز شیوه نگارش نثر فنی

کلیله و دمنه

نثر فنی در آغاز در کتاب کلیله و دمنه ظاهر شد، در مقدمه از آثار این کتاب بر کتاب‌های دیگر، به اختصار توضیحاتی آمد. این‌که چه ویژگی‌هایی در کتاب مورد اشاره

وجود داشت که آن را از سایر آثار، ممتاز کرده و انگیزه الگوبرداری فراوان، از سوی نویسندگان معروف آن روزگار را پدید آورده است، رازی است که در شیوه نگارش آن پنهان شده و بازگشایی آن، نیازمند تحلیل سبکی کتاب است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که کلیله و دمنه را از کتب قبل از خود متمایز ساخت، جامعه داستانی موجود در کتاب اصلی بود که به شکلی نمادین و در قالب فابل^(۱) (fable) صدها سال پیش از ترجمه منشی نوشته شده و مترجم نیز همان الگورا در ترجمه بهرام‌شاهی حفظ نمود. شاید در نگاه اولیه، اهمیت این امر کم‌تر در نظر آید، اما دقت نظر در موضوع نشان می‌دهد که با توسل به فابل، در جوامع سنتی، می‌توان به راحتی همه اقشار اجتماع، از پادشاه و حاکم گرفته تا وزیر و مشیر و رعیت را بدون کم‌ترین هراسی مورد نقد قرار داد و کم‌وکاستی ایشان را به آن‌ها خاطر نشان نمود و آنان نیز با مطالعه داستان‌های نمادین حیوانات که هر یک، مظهر یکی از تیپ‌های انسانی هستند، به اصلاح خود و اجتماع پیرامونشان مبادرت نمایند. این اقدام منشی از دیدگاه نگارنده، می‌تواند تأثیری به سزا بر افرادی نظیر محمد بن غازی ملطیوی و سعدالدین وراوینی در دو اثر فنی "روضه العقول" و "مرزبان‌نامه" (که هر دو اثر همانند کلیله و دمنه از نوع فابل تلقی می‌شوند) گذاشته باشد، اضافه بر آن‌که هر دو اثر یاد شده از جنبه‌های دیگر نویسندگی نیز به وضوح تحت تأثیر کتاب کلیله و دمنه قرار دارند. در ادامه، به جهت خودداری از بیان مواردی که نمونه‌های مشابه آن در بیش‌تر کتب و تألیفات سبک‌شناسی موجود است، تنها به ذکر برخی از صناعاتی که نصرالله منشی، آن‌ها را به جهت جذابیت کتاب و تازگی در لابه‌لای نثر کلیله و دمنه به کار برده است، اشاره می‌شود:

الف) استفاده از آرایه‌های بدیعی و بیانی: جناس، مترادف، تضاد، مراعات‌النظیر، جمع

و تقسیم، استعاره، تشبیه، کنایه

ب) استفاده از ابیات و عبارات فارسی و عربی

پ) استفاد از ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی

عوفی در لب‌الالباب در مورد اهمیت کلیله و دمنه نصرالله منشی می‌گوید: «تا دور آخر زمان و انقراض عالم، هر کس رسالتی نویسد و یا در کتابت تنوُّقی کند مقتبس فواید او تواند بود، چه، ترجمه کلیله و دمنه که ساخته اوست دست‌مایه جمله کتاب و اصحاب صنعت است و هیچ کس انگشت بر آن ننهاده است و آن را قدح نکرده است و از منشآت پارسیان هیچ تألیف آن اقبال ندیده است و آن قبول نیافته است» (عوفی، ۱۳۶۱: ۹۲).

قبل از ترجمه کلیله و دمنه بهرام‌شاهی، مواردی از آنچه درباره کتاب مزبور، فهرست‌وار آمد، به ندرت در آثار دیگر یافت می‌شد، تا جایی که به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها (مانند سجع و جناس) به طور تصادفی وارد نثر شده و نویسنده هیچ هدف بلاغی یا انگیزه هنری از ارائه آن‌ها نداشته است، اما پس از نگارش کلیله و دمنه، ناگهان رویکرد به صنایع ادبی در میان نویسندگان، با عطشی غیر قابل توصیف پدیدار و با تأسی به این کتاب، گسترده شد، «تا جایی که کلیله و دمنه مذکور، کتاب درسی ادب در آن دوران محسوب شد» (صفا، ج ۳، ۱۳۶۸: ۹۴۹) و «در حکم سرمشقی برای مترسلان به کار رفت» (همان: ۹۵۱). نکته مهم دیگر این‌که نصرالله منشی، هرگز مغلوب صنایع ادبی نگشته و همواره تعادل را در استفاده از آن‌ها رعایت کرده است و همین عامل، سبب دلنشینی نثر وی و استقبال عام و خاص از آن شد، فرآیندی که بعدها مقلدین او را بر آن داشت تا در به‌کارگیری از آن صناعات، افراط ورزیده و شیوه نگارش محسن و زیبای فنی را دست‌خوش تغییر نمایند.

این مقوله سرآغاز پیدایش نوع تازه‌ای از نگارش فنی شد. شیوه جدیدی که در قرن هفتم هجری آغاز شد، در ساختار ظاهری خود همان مختصات نثر فنی را داشت، اما صنایع فراوان ادبی، که گاه درک و دریافت آن‌ها برای خواننده دشوار بود و نیز استفاده از آرایه‌هایی که معمولاً در شعر رایج بود، مانند استعاره‌های دیرپاب و تشبیهات فشرده

برخی نموده‌های سبکی در نثر فنی با تأمل بر آثار برجسته • محمد حجت • صص ۳۰-۹ □ ۱۳

غیر معمول، حشو و زواید بی‌مورد و اطناب‌های پیچیده، شیوه نگارش فنی را به مصنوع تبدیل کرد. اگرچه این روش، از منظر هنرنمایی‌های ادبی دل‌پذیر بود اما مضمون را فدای لفظ نمود.

ب) نفثة‌المصدور

یکی دیگر از بهترین نمونه‌های شیوه نگارش فنی، کتاب نفثة‌المصدور است که به قلم شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی متوفی به سال ۶۴۸ هـ.ق نگاشته شد. نفثة‌المصدور در لغت یعنی خلطی که از سینه‌های رنجور بیرون می‌آید، اما در کاربرد استعاری، نویسنده کوشیده است تا در این کتاب شرحی دردمندانه از رویدادهای دوران مغول را که حاصل مشاهدات عینی اوست به رشته تحریر کشیده و دردها و آلام خود را، با شیوه‌ای که تا آن روزگار در هیچ انشایی سابقه نداشت، بیان کند. از دیدگاه مضمون، کتاب نفثة‌المصدور زیدری نسوی، از امهات آثار تاریخی (مربوط به دوره مغول) محسوب می‌شود؛ علاوه بر آن، شرح مفصلی از حوادث پیش آمده بر سلطان محمد خوارزمشاه را نیز دربر دارد، حوادثی که برای نخستین بار در یک کتاب تاریخی پس از خوارزمشاهیان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

کتاب مزبور، از دیدگاه ادبی نیز الگویی بی‌نظیر است. نثر این اثر را می‌توان واسطه‌العقد شیوه نگارش نثر فنی مبتنی بر نثر مرسل با نثر فنی متکلف دانست (رک. شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۴۸). علاقه شدید نویسنده در ایراد واژگان و عبارات مزین، ذکر آیات قرآن و ابیات شاعران معروفی نظیر ابوالفتح بستی، ابونواس، بحتری، بدیع‌الزمان همدانی، کعب بن زهیر و چندین شاعر دیگر (که برخی از آنان ایرانی و برخی عرب بوده و تعدادی به دوران پیش از اسلام تعلق دارند) شیوه نگارش کتاب را به سوی تکلف سوق داده است. از سوی دیگر، کتاب نفثة‌المصدور را باید در حکم منبعی دانست که یک دوره کامل

صنایع ادبی را در خود ذخیره دارد. اغلب صنایع بدیعی، از سجع گرفته تا انواع جناس و تضاد، مراعات‌النظیر، غلو، لف و نشر، حسن تعلیل، تجاهل‌العارف و اغراق، با قلم زیدری نسوی در لابه‌لای کلام، با لفظ و مضمون، انطباق حاصل کرده‌اند.

استعاره، کنایه، تشبیه و ایهام برای اولین بار در متن کتاب به پختگی کم‌نظیری (تا آن دوره) رسیده، بدان‌سان که گویی یک دوره کامل صنایع بیانی در این اثر به نمایش درآمده است. پر واضح است که نویسنده کتاب نفثة‌المصدر با استفاده از برخی موارد پیش‌گفته، در کنار تمثیلات رایج و مشهور عربی که به تعداد بی‌شمار در این کتاب به چشم می‌خورد، نثر خویش را در پاره‌ای از موارد ملمّع ساخته است. اسم صوت‌هایی که در این اثر، گویی از دل نثر زاده شده، ضرباهنگی مؤثر در کتاب ایجاد کرده و در به نمایش درآوردن صحنه‌ها نقش مهمی را ایفا نموده است. نمونه‌هایی از این اسم صوت‌ها در عبارات زیر به چشم می‌خورد:

«در وقت عطّعه کفاح و محمه جیاد و قععه سلاح و ولوله اجناد قلقل جام می و چیچاپ بوس و چشچش قلیه و فشفش شلواربند گزیده و هنگام تجفاف مغفر زیر لحاف و بستر خزیده» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۰).

سجع، جناس، تضاد، مراعات‌النظیر، غلو، لف و نشر و پاره‌ای موارد بدیعی دیگر، که نمونه‌های مفصّل آن در مقدمه نفثة‌المصدر یافت می‌شود، در کنار صنایع بیانی که بیش‌تر آن‌ها، در کمال زیبایی ظهور یافته‌اند، نشان از آغاز تحوّل در نثر فنی دارد. حسن تعلیل زیر، یکی از زیباترین نمونه‌های این بحث است: «ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاد و الم بر سبیل اعتذار بر پای ایستاد» (همان: ۹۳).

نویسنده، در عبارت فوق با استفاده از چهار عنصر سجع، جناس، تضاد و حسن تعلیل، تصویری دل‌پسند ارائه کرده است. کنایه‌هایی که زیدری نسوی، آن‌ها را برای اولین بار در نثر معمول کرد، تنها متعلّق به سبک فردی این نویسنده تواناست:

«... به شرکت عیان خر فراکاروان کرده و از آن نوحاسته کهنه دولی زن کرده و به همه وجوه از پی رضای او فراایستاده، غر داده و زر داده و سر هم داده» (همان: ۷۵).

از دیگر نمونه‌های قابل توجه، در لابه‌لای نثر نفثه‌المصدر، تلمیحات تاریخی و مذهبی کتاب است که با لطافتی وصف ناشدنی، با سایر الفاظ و عبارات منطبق شده و وفق یافته است. نمونه‌های زیر همگی از این دست است:

«خُرشید چون کلاه نوشیروان، از کوه شه‌وار طلوع کرد، مهر چون ورق بزرجمهر از مطلع شرقی برتافت. زاهد پگاه‌خیز صبح بر قسّیس سیاه گلیم شب استیلا یافت... گفتی سکندر در میان ظلمات گرفتار و آب حیات تیره، اصحاب مشامه در عرصات حضرت حشر گشته و میمنه بی‌خبر» (همان: ۴۲ و ۴۳).

و یا: "صباغ نو بهار عیسی‌وار معجزه‌ای که در نفس داشت از یک خم هفت‌رنگ پیدا کرده» (همان: ۱۰۱).

ب-۱) چند ویژگی خاص:

در کتاب نفثه‌المصدر، علاوه بر موارد فوق، چند ویژگی خاص یافت می‌شود که در این بخش به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌رود:

ب-۱-۱) این کتاب به خلاف آثار مشابه، فاقد مقدمهٔ مرسوم است که در آن به نعت باری تعالی و مدح حضرت رسول (ص) و خلفای عهد پرداخته باشد.

ب-۱-۲) در لابه‌لای نثر زیدری نسوی، ترکیباتی موجود است که با پسوند "ریزه" ساخته شده و در آثار مشابه وجود نداشته و زیدری نسوی، برای اولین بار در کتاب نفثه‌المصدر آن‌ها را آورده است:

«از گذر تاتار جانبی است؛ خود به عرض ریزه‌ای که داشت - ولا دَرْدَرُ الاعراض - از ری راه سمنان گرفت و تا بیابانک باخبرم که رسیده است» (همان: ۱۰).

«و چون هنوز سعادت ریزه‌ای که به پر و بال آن می‌پریدم، نه چنین که هست بی‌جان

بود...» (همان: ۱۱).

«حرامیان به جهت آن حرام‌ریزه در مکان عقیاب چون عقیاب گرسنه، دهان گشاده»

(همان: ۱۱).

ب - ۱ - ۳) در متن کتاب، نویسنده الفاظ نکوهش آمیزی به کار برده که در آثار مشابه یا دیده نمی‌شود یا کم‌تر مورد توجه بوده‌اند؛ دشنام‌هایی که حالت کنایی و غیرمستقیم دارند: «باشمک، احمد ارموی آن گاو ریش خر طبع، که به همه وجوه رشته به دست او داده بود و به رسن او فرو چاه رفته و دیگر سهل قید سست شلووار، بوقا، غلام بغدی، که در آن فترت از فتور دیگران خود را امیر کرده بود، بر هم نهاد و تقریر کرده و به دمدمه و افسون آن قلیبان مأیون دمید» (همان: ۸۵).

«همه را از این نوع دم خداع در دمید تا در آن نرم بروت سست شلووار گرفت، موم از

سر نرمی است چنان نقش پذیر» (همان: ۸۶).

ب - ۱ - ۴) ترکیباتی که برای اولین بار با هنرنمایی زیدری ابداع گردیده و در آن صفت، حالت موصوف خود بوده و در عین حال از ریشه اصلی آن برگرفته شده مانند سنگ سنگدل: «فصلی چند که چون شرح کنم خون از دل سنگ سنگدل بگدازد» (همان: ۱۱۰).

پ) تاریخ و صاف

در سال ۱۳۶۹ ه. ق. ادیب عبدالله شیرازی ملقب به و صاف‌الحضرة، کتابی با عنوان تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار (تاریخ و صاف) نگاشت که شیوه‌ای متفاوت از سایر آثار معاصر خود داشت. این کتاب از لحاظ مضمون، ذیلی بر تاریخ جهان‌گشای جوینی محسوب شده و دربر دارنده مطالبی درباره ایلخانان مغول و حوادث تاریخ آن‌هاست، علاوه بر آن، اطلاعات زیادی نیز در خصوص برخی شهرها نظیر؛ کرمان و کیش، حاکمان

آن‌ها و رویدادهای مهم رخ داده در این شهرها دارد.

تاریخ و صّاف آخرین کتابی است که در شیوه نگارش فنی و با الگوپذیری از عناصر ویژه آن تدوین شده است و بنا به عقیده ملک الشعراى بهار: «آخرین بارقه‌ای است که در شیوه نگارش فنی تابیدن گرفت» (بهار، ۱۳۴۹: ۹۹)، اگرچه در قرون بعد، دبیرانی با تقلید از این اثر توانستند خود را در عرصه نویسندگی به شهرت برسانند ولی جایگاه تاریخ و صّاف همان است که بهار گفت. در میان مقلدان تاریخ و صّاف، کسانی حضور داشتند که بر این اقدام خویش، یعنی شبیه‌سازی از تاریخ و صّاف، اقرار نموده و بر این تقلید بسی بالیدند؛ مقدمه کتاب درّه نادره دلیل روشنی بر این ادعاست.

دشواری نثر تاریخ و صّاف، تا جایی است که سبب شده برخی مورّخان، در تحقیقات خود بدان توجهی نکنند و عطایش را به لقایش ببخشند، حال آن‌که کتاب از دیدگاه تاریخی، از اهمیت بی‌نظیری برخوردار بوده و برخی حوادث تاریخی را تنها می‌توان در همین کتاب، جست‌وجو نمود. «مهم‌تر آن‌که این اثر بزرگ، به واسطه تکلف خاص از سوی برخی ادبا نیز نکوهیده شده است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۳۷). شاید، یکی از عواملی که سبب روی‌گردانی منشیان و دبیران در دوره بعد و رویکرد دوباره آن‌ها به ساده‌نویسی شد، عدم عنایت به کتاب و صّاف بود که در آن زمان، بر قله تصنع و تکلف ایستاده بود.

از آغاز رسمی نگارش به شیوه فنی، هرچه به جلو گام برداشته شود، گرایش نویسندگان به تکلف و تزئین بیش‌تر می‌گردد، اوج این تکلف در کتاب تاریخ و صّاف به چشم می‌خورد، تکلفی که برگرفته از تاریخ جهان‌گشای جوینی و ناشی از علاقه شدید مؤلف کتاب به این اثر است، با این تفاوت که به همان دلیل پیش‌گفته، (این‌که هر نگارنده‌ای در تلاش بود که بر سختی کلامش بیفزاید و با این روش، خود و کتابش را از اثر پیشین برتر جلوه دهد) نثر کتاب و صّاف به مراتب دشوارتر از تاریخ جهان‌گشا گردید.

پ (۱- برخی ویژگی‌های تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار (تاریخ و صّاف)

می‌دانیم که واژه‌های مغولی به شکل گسترده اولین بار در تاریخ جهان‌گشای جوینی و در خلال نثر عظاملک جوینی پدیدار شدند. گویی با حمله رعدآسای مغولان به ایران، اینک نوبت آثار ادبی بود که مورد هجوم نابیوسان لغات مغولی و عرصه تاخت و تاز نام‌ها و اصطلاحات بی‌شمار و ناخوش ترکیب آنان واقع شوند. تعداد این واژه‌ها در تاریخ و صّاف چندین برابر بیش از تاریخ جهان‌گشا است. تاریخ و صّاف در به‌کارگیری لغات مغولی و اثرپذیری از فرهنگ و زبان اقوام مغول تالی جهان‌گشای جوینی است. برخی از اسم‌ها و اصطلاحات مغولی موجود در تاریخ و صّاف، همان‌هایی است که به‌طور مشخص در تاریخ جهان‌گشا یافت می‌شود. از آن جمله واژه "أروغ" (خاندان)، "ایلچی" (قاصد)، "ایقاق" (سخن‌چین)، "سولوق" (خورجین)، "سیورغامیشی" (نوازش و لطف)، "قمیز" (ماست مغولی)، "سیورمیش" (شادی روز جنگ)، "طرقاق" (نگهبان)، "یرغو" (داوری)، "یاسا" (قانون)، "یرلیغ" (فرمان) و چندین نام و صفت دیگر مغولی که در این مختصر، از بازنمود آن‌ها صرف نظر می‌گردد.

کاربرد واژه‌های مورد اشاره از سوی ادیب عبدالله شیرازی، ممکن است تقلید مستقیم از نثر جهان‌گشا نبوده و حاصل رواج این کلمات در میان مردم آن روزگار و به‌ویژه خواص، یعنی منشیان و دبیران دربار مغول به حساب آید، اما بی‌گمان تقلید از شیوه نگارش جهان‌گشای جوینی، اول‌بار، مجوز ورود آن‌ها را به عرصه متون پارسی صادر کرد. ذکر این نکته ضروری است که در کتاب و صّاف، لغات و اصطلاحات تازه مغولی هم یافت می‌شود که نویسنده آن‌ها را برای اولین بار در کتابش آورده و مهم‌تر آن‌که برخی نام‌های ایرانی را ضمن تعریف، رنگ و لعاب مغولی بخشیده است. از آن جمله اسم‌هایی چون "ارش شیفاتیر" که در اصل و در زبان پارسی "آرش شواتیر" بوده، یا نام "قورش اشغان" که همان "قورش اشکان" است.

کتاب تاریخ و صّاف، همچون سایر آثاری که در نثر مصنوع و متکلف ایجاد شده؛ آکنده از شعر بوده و البته برخی از اشعار آن، حاصل قریحه نویسنده است، به ویژه آن جا که وی با تخلص شرف، به سرودن ابیاتی در لابه‌لای نثر خود، مبادرت کرده است. نکته درخور توجه این است که نویسنده در پاره‌ای از صفحات کتاب با ذکر اشعار فراوان، موجبات غلبه شعر را بر نثر فراهم آورده و گاه با ابیاتی ملمّع، توان خود را در ادب پارسی و عربی نشان داده است:

«ای دل که همیشه عرصه آفاتی در عرصه تن ز دست غم شه‌ماتی
از مانده و رفته غم مخور زیرا که ما مرّ مضمی و ما سیّاتی یأتی»
(وصاف، ۱۳۳۸: ۲۸۵)

تاریخ و صّاف هم‌چنین تجلّی‌گاه آیات قرآنی و احادیث معصومین علیهم‌السلام است، هر چند توجه به این موضوعات در ابتدای پیدایش شیوه نگارش فنی، جایگاهی ثابت یافت؛ اما هرچه به سوی شیوه مصنوع پیش رفت؛ موضع خود را توسعه داده و در تاریخ و صّاف، به اوج رسید، تا جایی که گاه خواننده را با نثری ملمّع روبه‌رو ساخت. وجود آیات در کتاب مورد اشاره، از ذکاوت و تسلط مؤلف حکایت دارد، زیرا نویسنده، آن‌ها را به موقع و در محل خویش به کار برده است؛ مثلاً هر جا سخن از بی‌اعتباری دنیا به میان آمده، آیه‌ای زیبا، بر کلام نگارنده تأکید می‌کند:

«و قصور با خاک برابر شده و به زبان گوید کم ترکوا من جنّات و عیون و زروع و
مقام گریم» (همان: ۳۸).

جایی دیگر حدیثی شریف، به سخن وی بها داده: «تسلط و قرار مغلوب و خوف فرار غالب شد و قال امیر المؤمنین لکل قضاء جالب و لکل ذرّ حالب» (همان: ۱۴).
نکته مهم درباره استفاده مؤلف از احادیث، وجود روایات بی‌شماری است که وی از امام علی^(ع) نقل نموده.

پ-۱-۲) صنایع ادبی در تاریخ و صّاف

در ابتدای مقاله و بررسی کتاب کلیله و دمنه، نمونه‌های اولیه و ساده‌ای از آرایه‌های ادبی، که برای اولین بار در یک اثر منثور وارد شده بود از نظر گذشت. این روند در کتاب نفثة المصدور به طور جدّی تداوم یافت، با این تفاوت که در آن اثر، تنوّع و تعداد آن‌ها از یک سو و تازگی و پیچیدگی‌شان از سوی دیگر، تأثیر به‌سزایی بر نوع نگارش آن گذاشته بود، اما جلوه‌های ادبی در تاریخ و صّاف، از لونی دیگرند.

تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در کنار سجع، جناس، اشتقاق، شبه‌اشتقاق و مراعات‌التنظیر از آن جمله‌اند، که در این مقاله، از ذکر نمونه برای تک‌تک موارد یاد شده پرهیز و برای آشنایی بیش‌تر با شکل و سیاق نثر این کتاب، تنها به آوردن چند مثال بسنده می‌شود:

«پادشاهی که کسوت عظیّت غبطت بر قامت با قیمت خیاط رأفت شامل او اندازد»

(همان: ۸۵)

«چون مشام بام و شام با انفاس ریاحین معطر بودی» (همان: ۲۰۳).

با تألیف کتاب تاریخ و صّاف، عصر طلایی شیوه نگارش فنی به پایان رسید و دوره نگارش نثرهای منحط آغاز شد، نثرهایی که سرشار از تکلف، اطّباب و پیچیدگی بود و با آثار قبلی قابل مقایسه نبود. این طریقه، سال‌ها ادامه داشت، اما از تداوم برخوردار نبود، تا جایی که گاهی نویسندگان در مسیر نگارش، گریزی به شیوه مرسل و ساده می‌زدند، امّا این اقدام آن‌ها سبب پیدایش شیوه‌ای شد که به آن سبک التقاطی یا بینابین گفته شد. در میان سده‌های هشتم تا دوازدهم هجری، بازار تنوّع نگارش از رونق بسیار برخوردار بود، سادگی، تکلف یا ترکیبی از دو شیوه ساده و متکلف را می‌توان در آثار این دوره، مشاهده کرد.

ت) درّه نادره

اگر دربارهٔ دشوارترین کتاب نثری که در طول تاریخ ادبیات ایران نگاشته شده است، پرسیده شود. بی تردید پاسخ قطعی "درّه نادره" است، کتابی که تا سال‌ها بعد از تدوین، مورد توجه بسیار واقع گردید. مؤلف این کتاب، میرزا مهدی‌خان استرآبادی است؛ نویسنده‌ای که محو تاریخ و صّاف بوده و علاقهٔ وافرش به این کتاب، او را بر آن داشت که اهتمام خود را مصروف نگارش اثری سازد که مضامین باارزش تاریخی‌اش، فدای نثر دشوار و طویل‌الطّابی شده که کم‌تر کسی را یارای درک آن معانی است (رک. ریپکا، ۱۳۸۳: ۵۵۷).

ت-۱) چند ویژگی کتاب درّه نادره

علاقهٔ فراوان نویسندهٔ درّه نادره به کتاب تاریخ و صّاف سبب تقلید فراوان از کتاب یاد شده توسط میرزای استرآبادی شد. این تقلیدها، از همان آغاز درّه نادره دیده می‌شود، آن‌جا که وی به نعت حضرت باری تعالی پرداخته و به پیدایش عناصر هستی با ید اراده الهی اشاره نموده است. از خلقت معادن گرفته تا ستارگان و افلاک و سرانجام خلقت بشر (رک. استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲-۱۲) همگی تحت تأثیر مستقیم مقدمهٔ کتاب و صّاف است (رک. و صّاف، ۱۳۳۸: ۱-۳).

از دیدگاه صنایع لفظی و معنوی نیز، درّه نادره یک اثر منحصر به فرد است. واژگان دشوار فارسی در کنار لغات ترکی، مغولی و عربی، کتاب را به مخزنی از کلمات صعب و دیرفهم بدل ساخته است، از آن گذشته این واژگان دشوار، آن‌گاه که توسط نویسنده به بازی گرفته شده و تبدیل به صنایع ادبی گوناگون شده، اوضاع را پیچیده‌تر ساخته است. عبارت نمونه، شاهدهی بر این ادعاست: «جلامید جلامند شطور سطور و سنگلاخ کلام کلامش تمام درّ و گوهر شاهوار است» (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۶).

نام‌های سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات که تسبیح حق تعالی را بر زبان جاری می‌سازند، ترکیبی از فارسی و عربی و ترکی بسیار غریب است که هرآینه، خواننده را دچار مشکل می‌سازد؛ حال، این نام‌ها، آن‌گاه که به وسیله نویسنده و به عمد، با صناعات لفظی و معنوی چون، جناس، اشتقاق و شبه‌اشتقاق، مجاز و کنایه و تشبیه و استعاره درآمیخته می‌شوند، بر پیچیدگی امر می‌افزایند. نویسنده درّه نادره در باب ترکیب سنگ‌های گوناگون و ارزش و خاصیت هر یک عباراتی خواندنی دارد:

ت ۱-۱) دربارهٔ عناصر

«در دارالضرب أعطی کلُّ شیءٍ خلقه، زرساو را به نقش صفراء فاقع لونها تسرّ الناظرین، سکه زد و روایی داد و سیم ابيض را در یوم اسود، مورث عیش اخضر و دافع موت احمر گردانید و صُفر صفر را به صرافی صِرفان و تصاریف زمان در مصارف معاش تالی صریف نمود و از قلع کیفیت بسیطی و فیضان صورت ترکیبی ارز بر ارزیز بخشود و اسرب را خلع لباس بخاری نمود و از سرب عدم سارب ساخت و...» (همان: ۱۳۶۶: ۵-۶).

ت ۱-۲) دربارهٔ گیاهان

«از فیض مرحمتش غواذی غواذی بی‌عوادی بنات گلگون ثیاب نبات را در مهد بستان پستان پر لبان بر لبان گذاشت و به امداد مکرمتش، باد بهاری گل‌های آتشی را به آب و تاب تمام از خاک بداشت و جمایل خمایل سرو را از لطف وشاح و حمایل شاخ مایل بربر کرد» (همان: ۷-۶).

ت ۱-۳) دربارهٔ حیوانات

«در اصابل و مرابط از صهیل خیول و اطیت جمال ندای ولکم فیها جمالٌ حین تریحون

برخی نموده‌های سبکی در نثر فنی با تأمل بر آثار برجسته • محمد حجت • صص ۳۰-۹ □ ۲۳

و حین تَسْرَحون به نادی شهود رسید و در اصید و مراض از یعار تیس و نخیف عنز و خوار بقر و ثغاء غنم، آواز و الانعام خلقها لکم فیها دفٌ و منافعٌ و منها تاکلون آواز گوش مغتلمان غنایم انعام وجود گردید» (همان: ۹-۱۰).

ت ۱-۴) دربارهٔ پرندگان

«و در خفایای عشاش و اکنان و مفاحص و اوکار انقاض عقاب و نعیق غراب و عقعه عقق و لقلقه لقلق و شقشقه عصفور و زرزه و بطبطه بط و قطقطه قطا، نوای و الطیْرِ صافاتٍ کُلُّ قد علم صلاتُهُ و تسبیحُهُ در جهان بوقلمون متطایر ساخت» (همان: ۱۰-۱۱).

ت ۱-۵) دربارهٔ خزندگان

«و در احجار احجار کشیش افاعی و تقیق ضفادع و صیِّ عقارب زبان مدح سرای او گشت» (همان: ۱۱)

ت ۱-۶) دربارهٔ حشرات

«در حجرات تراب اغانی فراش و صریر جراد و طنین ذباب هم، همه، همه حمد بی قیاس او آمد» (همان: ۱۱).

در سطور بالا، موارد پیش گفته، آن قدر واضح است که از هر گونه توضیحی در خصوص نام‌ها و صنایع موجود در عبارات، بی نیاز است. درّه نادره مانند هر اثر دیگری که به شیوه فنی نگارش یافته، از آیه و حدیث بی نصیب نیست؛ اما کاربرد این مقوله در آن بسیار افراطی است.

ت -۲) عربی در درّه نادره

یکی از عناصر مهم در شیوه نگارش فنی، به کارگیری اشعار عربی و فارسی در لابه‌لای نثر است. این کاربرد در مسیر تحوّل نگارش و ورود به حوزه تکلف، مانند سایر ویژگی‌ها، رو به افراط نهاد و در درّه نادره به اوج رسید. برخی از اشعار در درّه نادره، به عنوان ضرب‌المثل آمده و تعدادی دیگر جنبه تأکیدی دارند و برخی از ابیات حلّ در نثر شده‌اند. حلّ یکی از عناصر مهم نثر فنی است که نویسنده بعد از نگارش یک بند (پاراگراف) چکیده مقصود خود را در چند بیت (فارسی یا عربی) بیان می‌کند.

درباره سراینندگان اشعار موجود در کتاب، ذکر این نکته ضروری است که مؤلف، به شاعر خاصی توجه نداشته و به اقتضاء موضوع، بیت یا ابیاتی را انتخاب و ارائه نموده است. شاعران مورد توجه مؤلف درّه نادره بیش‌تر؛ فردوسی، خیام، نظامی، حافظ شیرازی، ابوالفتح بستنی و سعد بن ناشب هستند.

«سخن به که با صاحب تاج و تخت بگویند سخنه نگویند سخت»
(فردوسی به نقل از همان: ۵۹۵)

«آن قصر که بر چرخ همی زد پهلو بر درگه او شهان نهادندی رو...»
(خیام به نقل از همان: ۱۴۶)

«کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم»
(حافظ به نقل از همان: ۱۰۴)

«عصی السلطان فابتدرت الیه رجال یقطعون ابا قبیس»
(ابوالفتح بستنی به نقل از همان: ۱۸۷)

«ساغسل عنی العار با لسيف جالبا علی قضاء اللّٰه ماکان جالبا»
(سعد بن ناشب به نقل از همان: ۲۴۹)

از میان اشعار پارسی، ابیات حافظ، در کتاب درّه نادره، از نظر تعداد بیش‌تر از سایرین

است.

از دیدگاه مضمون، دره نادره، تاریخ روزگار نادرشاه و دلاوری وی در اخراج افغان‌ها از ایران است، اما بنا به عقیده سیدجعفر شهیدی، در مقدمه کتاب دره نادره، هدف اصلی مؤلف چیزی ورای نگارش یک اثر تاریخی بوده است. غرض حقیقی او، نشان دادن استیلاء بر لغات و مهارت در انشای نثر فنی بوده است. اقدامی که در نهایت نه تنها موجب تمجید مؤلف و تعریف از اثر وی نشد، بلکه انتقاد شدید متأخرین را در پی داشت. بهار درباره این اثر می‌نویسد: «... دره نادره بسیار متکلفانه و غیر مفید است» (بهار، ج ۳، ۱۳۴۹: ۳۱۱).

ویژگی دیگری که درباره کتاب دره نادره می‌توان بازگو نمود، اعتراض وی به ابنای روزگار است. این مطلب را می‌توان به وضوح در آثار پیشین، که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت، نیز ملاحظه کرد، آن‌جا که در کلیله و دمنه نصرالله منشی، از روی به ادبار نهادن کارهای زمانه، سخن به میان می‌آید، می‌گوید:

«می‌بینم که کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کردستی و افعال ستوده و اقوال پسندیده، مدروس گشته و راه راست بسته و طریق ضلالت گشاده و... نیک مردان رنجور و مستذل و شریان فارغ و محترم و مکر و خدیعت بیدار و وفا و حریت در خواب...» (نصرالله منشی، ۱۳۶۸: ۵۶).

یا در کتاب نفثه‌المصدور، همین قصه تکرار می‌شود:

«گفتی سکندر در میان ظلمات گرفتار و آب حیات تیره؛ مردمک چشم اسلام در محجر ظلام و دیده نجات خیره، خرمهره گرد در یتیم سلطنت حمایل گشته؛ گوش ماهی پیرامن گوهر شب افروز شاهی قلاده شده؛ ضباب حجاب آفتاب گشته و او نهفته؛ کلاب حوالی غاب احاطت گرفته و شیر خفته؛ اصحاب مشامه در عرصات حضرت حشر گشته و میمنه بی‌خبر» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۲-۴۳).

در کتاب دره نادره، این شکوه‌ها، در قالب عبارات، کنایاتی بیان شده، هرچند این

موارد، ممکن است مخاطب را از اصل و مضمون مورد نظر نویسنده دور کرده و او را متوجه مقولات پیش‌گفته نماید. جملات پیش رو نمونه‌ای از این دست است:

«در این ظرف زمان هر کاسه لیس نَمّام انمّ من الزجاج از دور کأس حدباء چرخ مینایی و دهر کاسه گردان، جز می خرمی ننوشد و هر ذوتلبیس احسّ من القماش اردل من القماش، از نفایس ملابس دنیا جز خز و دیبا و برد و منمنم نپوشد» (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۰۷-۱۰۸).

ت-۳) محسنات درّه نادره

میرزا مهدی‌خان استرآبادی، به خوبی دریافته بود که درّه نادره، مروریدی بی‌نظیر بلکه آخرین دانه از گردنبند مرصّع نثر فنی است. به ویژه آن‌که بعد از تألیف این اثر، نثری پدید آمد که در تلافی برای رهایی از تکلف و تزیین به سمت سادگی و روانی متمایل گردید. در نگاه نخست، مطالعه درّه نادره با تبلیغات گسترده‌ای که درباره صعب و ممتنع بودن آن، در این دوره صورت گرفته است امری دشوار به نظر می‌رسد. اما کسانی که به این کتاب نزدیک شده و تفرّجی در عرصه صفحات آن داشته باشند، لذتی را که از تنوع واژگان، عبارات، اصطلاحات، اشعار و امثله به دست می‌دهد، هرگز فراموش نخواهند کرد. مؤلف در کمال تواضع، عبارات ذیل را در وصف "تاریخ و صاف" انشا کرده است اما به نظر می‌رسد با کتاب خودش مناسبت بیش‌تری دارند:

«جلامید جلامند شطور سطور و سنگلاخ کلام کلامش، تمام درّ و گوهر شاهوار است و جنادل دلنواز الفاظ انیق و ظرر ظریر ظریر طرز تلفیقش، سراسر جواهر رنگین آبدار، هر جزوی از اجزایش را با نثر لالی رابطه کلی است و فقرات فقراتش را با نضد درر قرابت صلیبی. زلالیه کلمات شیرین در زلحله لخلخه‌سای صحیفه و صحیفه ورقش همه به شیره جان سرشته و موائد سیغ و سیغ معانی سایغه و قطوف و قطایف مضامین سابعه، در

ظروف سیاه قلم حروفش جمله به مشک آغشته» (همان: ۲۶-۲۷).

در خصوص عدم توجه بسیاری از معاصران به کتاب دره نادره، میرزامهدی استرآبادی، به شکلی غیرمستقیم از منتقدان یاد کرده است: «در دیده ناقص خردان رعبوب که نظر جز بر عیوب نمی‌گمارند (اقبح من عشوه العشواء و دلال العثواء) بوده و رخساره ساره، شاره بشاره ان مخبآت نیک مبسم و مُحبات تنگ مبسم که از حسن محبنا دلبران برجاء را دل برجا نمی‌گذارند انکروا من...» (همان: ۵۳).

در پایان این گفتار و برای این که به نتیجه حاصل از این تحقیق پردازیم، عجالناً مروری بر آنچه در مورد کتاب‌های نثر فنی گفته شد، می‌کنیم و آن‌گاه به مبحث نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت:

۱. در کتاب نفثه‌المصدر، برخلاف آثار مشابه از مقدمه مرسوم می‌که به نعت باری تعالی و مدح حضرت رسول (ص) و خلفای عهد اختصاص یافته باشد، خبری نیست.

۲. در اثر مورد اشاره، ترکیباتی برای اولین بار ابداع گردید، که در متن مقاله توضیح داده شد، مانند جایی که صفت حالت موصوف خود بوده و در عین حال از ریشه اصلی آن به دست آمده است:

۳. در کتاب تاریخ و صاف، اسم‌ها و اصطلاحات مغولی موجود است که نظیر همان‌ها، به طور مشخص در تاریخ جهان‌گشا یافت می‌شود. از آن جمله واژه آروغ، ایلچی، ایفاق، سولوق، سیورغامشی، قمیز، سیورمیش، طرقاق، یرغو، یاسا، یرلیغ و چندین نام دیگر مغولی که در این مختصر، از باز نمود آن‌ها صرف نظر می‌گردد.

۴. نکته مهم دیگری که در تاریخ و صاف، نگاه نگارنده را متوجه خود نمود، استفاده مؤلف از احادیث بی‌شمار امام علی (ع) است که نشان از ارادت صادق نویسنده، به آن امام همام از یک سو و گهربار بودن سخنان ایشان از سوی دیگر دارد، تا جایی که و صاف را بر آن داشته، تا با استفاده از آن بیانات، بر ارزش اثر خویش بیفزاید.

۵. در کتاب دره نادره، خلقت سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات، اعم از پرندگان و چرندگان و خزندگان و حشرات با شیوه‌ای دل‌پذیر و منحصر به فرد، بیان شده است.

۶. وجود صنعت "حل"، در لابه‌لای نثر آثار بررسی شده، چشم‌گیر است.

هر چند مطالعه بر کتاب‌های نثر فارسی می‌تواند خصوصیات آن‌ها را به نیکی باز نمایند، اما با توجه به محدودیت این گفتار به مروری بر آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، بسنده می‌شود. بی‌تردید مرور چندباره کتاب‌های نثر فنی مخصوصاً کتاب‌هایی که در این تحقیق مورد توجه بوده‌اند، گوشه‌های دیگری از خصایص نثر فنی فارسی را باز می‌نمایاند و ویژگی‌های بیش‌تری از سبک نثر نویسندگان این سبک را نشان می‌دهد، اما با توجه به این‌که نمی‌توان همه آن موارد را در یک گفتار مختصر گردآوری کرد به همین مقدار بسنده شد تا شاید این مشت نمونه خرواری برای تحقیقات بعدی باشد.

نتیجه

الف) هدف از انتخاب و پرداختن به موضوع اصلی در این مقاله، بازنمودی از ویژگی‌های خاص در نثر فنی و روند پیش‌رفت و تکامل آن بود.

ب) برای تحقق مورد "الف"، نگارنده تلاش کرد تا با نگرشی متفاوت، نسبت به آنچه در تحقیقات سبک‌شناسی دیگر ملاحظه می‌شود به موضوع بپردازد از این رو برخی مباحث که پیش‌تر در کتاب‌های مختلف؛ مانند سبک‌شناسی بهار، فن نثر حسین خطیبی و سبک‌شناسی نثر شمیسا و یا برخی مقالات و پژوهش‌های دیگر، با توضیح وافی، موجود و ایراد غیرضروری آن موارد، به نظر تکرار مکررات آمد، در این تحقیق حذف گردید و در عوض، برخی آثار نثر فنی با رویکردی تازه، مورد ارزیابی قرار گرفت. مختصات نثر فنی گسترده‌تر از چیزی است که در این تحقیق و تحقیقات مشابه آمده است. آنچه در این پژوهش حاصل شد، مختصراً به شرح ذیل است:

۱. نصرالله منشی علاوه بر توجه به صنایع بدیعی و بیانی تعادل در استفاده از صنایع را رعایت کرده و مغلوب آن‌ها نگشته است.

۲. الف) نفثه‌المصدور فاقد مقدمه‌های مرسوم کتب نثر معاصر خود است. ب) پسوند "ریزه" در آن زیاد به کار رفته است. پ) ترکیباتی دارد که در آن‌ها صفت، حالت موصوف خود است.

۳. الف) تاریخ و صّاف مورد بی‌مهری مورخان قرار گرفته ولی در کتاب‌های نثر فنی بعد از خود اثر زیادی گذاشته است. ب) صنایع ادبی در آن نمود بسیار زیاد دارد. پ) احادیث در تاریخ و صّاف، کمی بیش از حدّ معمول مورد توجه واقع شده‌اند.

۴. در درّه نادره، تصاویر بکری با نام‌های "جمادات، نباتات و حیوانات" ساخته شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فابل افسانه تمثیلی، واژه‌ای فرانسوی از ریشه لاتینی fabula به معنی داستان و روایت، داستان منشور یا منظوم کوتاه و لطیفه‌واری که پیام یا پندی اخلاقی دربر داشته باشد. فابل ریشه در ادبیات عامیانه دارد و بنیادی‌ترین عنصر آن، نماد است. اصولاً هر نوع داستان باور نکردنی یا داستانی که پدیده‌های عجیب و غیرواقعی را واقعی نشان دهد یا داستانی درباره کسی یا چیزی که بنا به ویژگی‌هایی مثل سایر شده باشد، فابل است» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۰۰۷).

منابع

قرآن کریم. (۱۳۸۴). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: الهادی.

۱. استرآبادی، میرزاهدی‌خان. (۱۳۶۶). دره نادره. به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: علمی فرهنگی.
۲. انوشه، حسن و دیگران. (۱۳۷۶). دانشنامه ادب فارسی ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بهار، محمدتقی. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۱). دیوان حافظ. به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. تهران: اساطیر.
۵. خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). فن نثر در ادب پارسی. تهران: زوار.
۶. رییکا، یان و دیگران. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه ابولقاسم سرّی. تهران: سخن.
۷. زیدری نسوی، محمد. (۱۳۷۰). نفقه‌المصدر. به اهتمام امیرحسین یزدگردی. تهران: ویراستار.
۸. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). سبک‌شناسی نثر. تهران: میترا.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران ج ۳. تهران: فردوس.
۱۰. عوفی، محمد. (۱۳۶۱). لباب‌الالباب. به اهتمام ادوارد براون. ترجمه محمد عباسی. تهران: فخر رازی.
۱۱. معین، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی. در شش مجلد. تهران: امیرکبیر.
۱۲. نصرالله منشی. (۱۳۶۸). کلیله و دمنه. به اهتمام عبدالعظیم قریب. تهران: دی.
۱۳. نهج‌البلاغه. (۱۳۸۰). به اهتمام عابدینی مطلق، کاظم. قم: فراگفت.
۱۴. وصّاف، ادیب عبدالله. (۱۳۳۸). تاریخ وصّاف. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: ابن سینا.